

جایگاه اشتباه در نظام حقوق کیفری ایران

تالیف
احمد صفری

ویراستار
میلاد حسین تبار

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول	۹
بررسی و شناخت انواع اشتباه	۹
فصل دوم	۲۳
بررسی عناصر اشتباه موضوعی	۲۳
فصل سوم	۴۹
جایگاه اشتباه در رویه قضایی	۴۹
فصل چهارم	۶۵
رابطه اشتباه به امر قانونی	۶۵
فصل پنجم	۸۵
دفاعیات ناشی از شرایط خاص روانی	۸۵
فصل ششم	۹۷
بررسی مطالعه تطبیقی در این راستا	۹۷
فصل هفتم	۱۰۵
جنون و مستی به عنوان عوامل رافع مسئولیت در رویه قضایی	۱۰۵
جمع‌بندی کلی	۱۲۳
منابع و مآخذ	۱۲۵
قرآن کریم	۱۲۷
نهج البلاغه	۱۲۷
۱- فارسی	۱۲۷

مقدمه

اشتباه، مبین ناهمخوانی است. مرتکب به گونه‌ای فکر می‌کند و جامعه در کل، به نحوی دیگر. جامعه اصرار دارد که دیدگاهش صحیح است، نتیجه مجرمانه واقعا رخ داده و بزه‌دیده حقیقتاً صدمه دیده است. متهم ادعا می‌کند که او به گونه دیگر بر مسئله می‌نگریسته و همچون سایر مردم به حقیقت امر واقف نبوده است. به عقیده وی، او هیچ کار خلافی انجام نداده و یا لاقلاً خلاف به آن شدت که به نظر می‌رسد انجام نداده است. ممکن است به عقیده دیگران او به سمت یک مامور حافظ صلح تیراندازی کرده و او را مجروح نموده باشد، ولی از دید مرتکب ممکن است موضوع، به گونه‌ای دیگر جلوه کند.

۱- ممکن است تمرین تیراندازی می‌کرده و فکر کرده که دارد به سمت یک ماکت مقوایی مامور حافظ صلح شلیک می‌کند.

۲- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور حافظ صلح یک مامور خصوصی است. حال آنکه در واقع افسر بین‌الملل بوده است.

۳- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور یک شهروند معمولی است که به او حمله‌ور شده و او باید در قالب دفاع مشروع از خود دفاع کند.

۴- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور فاسد است و این وظیفه اوست که افسر را دستگیر کرده و از این رو ابتدا وی را ناتوان می‌سازد.

هنگام تیراندازی مرتکب به افسر پلیس هر کدام از این تصورات اشتباه ممکن است در ذهن او وجود داشته باشد. حال آنکه در واقع او، مرتکب قتل یک مامور حافظ صلح با لباس فرم آبی رنگ شده است. برخی از این تصورات، مخصوصاً تصور تیراندازی به ماکت کاغذی سبب می‌شود که او به لحاظ اخلاقی نسبت به ایراد جراحت بی‌گناه دانسته شود و از این رو به اتهام شروع به قتل تحت تعقیب قرار نگیرد. سایر تصورات، چون تصور اینکه افسر پلیس فاسد است و این وظیفه مرتکب است که به وی شلیک کند، بیشتر مشکل‌ساز هستند. اشتباه از ریشه شبه و در لغت به معنی مانند شدن و یا چیزی یا کسی را به جای چیزی یا کسی گرفتن آمده



است.^۱ و آن عبارت است از تصور خلاف انسان از واقع، چندان که امری را موجود و یا موجودی را موهوم بیندارد.^۲

^۱ - محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۹۷، به نقل از، علی اکبر، دهخدا، لغت نامه

^۲ - همان

فصل اول

بررسی و شناخت انواع اشتباه

اشتباه در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری نیز مطرح می‌شود. ماده ۳۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری در دو بند به بحث پیرامون اشتباه می‌پردازد.^۱ به هر حال با بررسی مختصر اساسنامه و توجه به نظام حقوق کیفری داخلی کشورها روشن می‌شود که برخی از اشتباهات مسئولیت کیفری را رفع می‌کند، حال آنکه برخی دیگر اینگونه نیستند. اشتباه از آنجا که تاثیری در عالم خارج نمی‌گذارد جزو علل رافع مسئولیت شمرده می‌شود. به دیگر سخن، در اشتباه عمل ارتكابی به قوت خود باقی مانده است.

الف) اشتباه در مکان

برای صدور حکم محکومیت متهم به یک جرم، دادستان باید ثابت کند که جرم در داخل یک ایالت یا در داخل حوزه قضایی دادگاه ارتكاب یافته است.^۲

برای محکوم ساختن یک فرد، بنا به قوانین ایالت کالیفرنیا، دادستان کالیفرنیا، جز در موارد استثنایی باید ثابت کند که جرم در آن ایالت واقع شده است.^۳ فرض کنید که تیراندازی به افسر پلیس در ایالت کالیفرنیا به وقوع پیوسته، ولی مرتکب ادعا می‌کند که وی تصور می‌کرده او و افسر پلیس در داخل قسمت حوزه قضایی نوادا در دریاچه تاهو^۴ قرار دارند، دریاچه تاهو در مرز دو ایالت کالیفرنیا و نوادا و در ۳۷ کیلومتری شمال غربی شهر رنو، ایالت نوادا قرار دارد.

^۱ - Albin Eser, Mental Elements – Mistake of Fact and Mistake of Law.

^۲ - دادگاهها گاه به جای این مسئله (صلاحیت محلی) بر اساس ملیت متهم یا بزه‌دیده احراز صلاحیت می‌کنند. (ماده ۷ قانون مجازات آلمان). دادگاههای آلمان همچنین بر اساس صدمه به منافع ملی آلمان (ماده ۵) و صلاحیت جهانی برای برخی جرایم که وابستگی جهانی دارند (ماده ۶) اعمال صلاحیت می‌کند. (بنا به مواد ۳ الی ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، دادگاههای ایران بر اساس صلاحیت سرزمینی (ماده ۳)، صلاحیت سرزمینی عینی (ماده ۴). صلاحیت واقعی (ماده ۴)، صلاحیت شخصی مثبت (ماده ۷) و صلاحیت جهانی (ماده ۸)، احراز صلاحیت می‌کنند. برای ملاحظه توضیح و تبیین این موارد ر.ک. به: عباس زراعت، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، صص ۲۰-۲۳ همچنین در مواد ۵۱-۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۱) قواعد راجع به صلاحیت محلی و موارد مشابه بیان شده است)

^۳ - جورج، پی، فلچر، منبع پیشین، ص ۲۵۵.

^۴ - Lake Tahoe



یک قسمت از دریاچه تاهو جزو ایالت کالیفرنیاست و قسمت دیگر به ایالت نوادا تعلق دارد. متهم در قسمت مربوط به ایالت کالیفرنیا مرتکب جرم شده، ولی ادعا می‌کند که «فکر» می‌کرده در قسمت مربوط به ایالت نوادا به سمت افسر پلیس شلیک کرده است. آیا این اشتباه بجاست؟ متأسفانه خیر، مهم آن است که چه انجام شده، نه آنکه متهم فکر می‌کرده آن کار را کجا انجام می‌دهد.

ب) اشتباه در مصونیت

فرض کنید که کارمند یک سفارت‌خانه تصور می‌کند که به خاطر شغلش، از مصونیت سیاسی در قبال جرایم ارتكابی برخوردار است. از این رو، در حال مستی رانندگی می‌کند، ولی واقعیت امر چیز دیگری است و کارکنان در آن سطح از مصونیت بهره‌مند نیستند. آیا این اشتباه بجاست؟ خوشبختانه خیر. ما به دنبال آنیم که آیا وی واقعا مصونیت داشته یا خیر، نه اینکه تصویری داشته است. وجود این اشتباهات نابجا، ما را وادار می‌دارد تا قواعدی برای اشتباهات بجا طرح‌ریزی کنیم. برآستی علت چیست که برخورد ما با اشتباه در مکان و اشتباه در تشخیص یک انسان به عنوان هدف و ماکت کاغذی با یکدیگر متفاوت است؟ ارسطو که اشتباه را در زمره علل رافع مسئولیت کیفری می‌دانست، دیدگاه خود در باب اشتباهات بجا را قاعده‌مند کرده بود. وی معتقد بود که اشتباهات بجا اختیار انتخاب در عمل را از مرتکب سلب می‌کند. اگر شخص نداند که هدف او یک انسان است، دیگر نمی‌توان گفت که او با اختیار خود وی را هدف گرفته است. اصل بر این است که در صورت ارتكاب غیرارادی عمل شخص مسئول و سرزنش‌پذیر دانسته نمی‌شود.^۱

برای اعمال این اصل در موارد فرضی فوق، باید سوال خود را از نو مطرح سازیم: چه هنگام غیرارادی بودن عمل، سبب از بین رفتن مسئولیت مرتکب می‌شود؟ اشتباه درباره

^۱ - Aristotle, Nichomachean Ethics 1135a-1137a.

مکان (کالیفرنیا و نه نوادا) نمی‌تواند هیچ نقشی، نه در تصمیم مرتکب و نه در عمل انجام شده، داشته باشد. ضرب و جرح و قتل در هر ایالتی که باشد جرم است. اشتباه درباره مصونیت نسبتاً متفاوت خواهد بود. رانندگی در حال مستی برای همه، چه دیپلمات و چه مردم عادی، خطا محسوب می‌شود. ولی اشتباه در اینجا برانگیزه مرتکب در نقض قانون تاثیر داشته است. او ممکن است مدعی شود که اگر از امکان تعقیب کیفری در رده خود آگاهی داشت، هیچ‌گاه قوانین رانندگی را نقض نمی‌نمود.^۱ اگر اشتباه در امری ماهوی باشد، مثل اشتباه در تشخیص انسان به عنوان یک ماکت کاغذی، تردیدی نیست که اشتباه صورت گرفته در ارزیابی ما از مسئولیت مرتکب موثر خواهد بود، ولی اشتباه در امور شکلی، مثل اشتباه در صلاحیت دادگاه یا مصونیت از تعقیب، تاثیر کمی بر مسئولیت مرتکب در قبال ارتکاب جرم خواهد داشت.

ادعای راننده مست، همچون ادعای یک قاتل زنجیره‌ای در مدت مرور زمان قتل است. هیچ کدام از این اشتباهها به لحاظ اخلاقی قانع کننده نیستند. قانون مجازات آلمان عامل موقوفی تعقیب خاصی برای جرم سرقت در درون اعضای خانواده پیش‌بینی کرده است.^۲ این جرایم قابل گذشت بوده و تنها با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند. شاید کسی استدلال کند که عضویت بزه‌دیده در خانواده مرتکب از شدت جرم می‌کاهد، ولی دیدگاه بهتر آن است که بگوییم: سرقت همان سرقت است، ولی خانواده در اینجا جایگزین نظام کیفری می‌شود و در گام نخست، این نظام خانواده است که باید پاسخ‌گویی به این مشکل را بر عهده بگیرد. از این رو، اگر متهم مال را به تصور اینکه متعلق به یکی از اعضای خانواده است برپاید و بعد معلوم شود که متعلق به شخص دیگری است، اشتباه وی ربطی به خطای موجود در سرقت نخواهد داشت.^۳ تحلیل عملی این ماده از قانون آلمان نشان می‌دهد که این ماده کاملاً کیفیات مژده؟؟

^۱ - به نقل از همان: ص ۲۵۶.

^۲ - StGB & 247 . Cf. Code Penal & 380. به نقل از همان

^۳ - A. Eser in Schonke/Schroder, & 247 , note 13 Cited in: A. Eser GP Cit.p.890.



اشتباه در مناسب است، ولی اخیراً یک پرونده در آمریکا به ما نشان داد که چگونه قضاوت صحیح می‌تواند دست خوش ملاحظات سیاسی گردد. دومین مورد فرضی در موارد طرح شده در ابتدای این مبحث را در نظر بگیرید: «مرتکب تصور می‌کرده که بزه‌دیده یک مامور خصوصی است، حال آنکه در واقع وی یک مامور بین‌المللی بوده است.» فرض کنید که ضرب و جرح یک افسر بین‌المللی که بزه‌شدگی باشد که قابل محاکمه در دادگاه‌های بین‌الملل است. آیا موقعیت افسر بر درجه خلاف نیز تاثیر می‌گذارد یا تاثیر آن در همان حد صلاحیت دادگاه‌های بین‌الملل باقی می‌ماند؟ این مسئله در پرونده ایالات متحده علیه فنولا^۱ مطرح گشت. متهمان برای ضرب و جرح اشخاصی که آنها را نمی‌شناختند و در حقیقت ماموران لباس شخصی فدرال بودند، تبانی^۲ نموده بودند. قبل از قضاوت درباره اصل اتهام تبانی، ابتدائاً باید بررسی می‌شد که آیا جهل در مورد هویت افسر فدرال، بر جرم موضوع تبانی، یعنی «ضرب و جرح مامور فدرال» تاثیر می‌گذارد یا خیر. قاضی استوارت^۳ و قاضی داگلاس^۴ استدلال نمودند که بی‌تردید این جرم ماهیتاً ضرب و جرح شدید است و از این رو جهل نسبت به شرایط مشدده در ارزیابی تقصیر مرتکب تاثیر خواهد داشت. با این همه، اکثریت قضات. در نظریه خود که قاضی بلکمن^۵ آن را تحریر می‌نمود، استدلال کردند که «عنصر فدرال» در این جرم مرتبط با صلاحیت دادگاه است، چنانکه لازمه تشکیل جرم «سرقت

^۱ - United States v. Feola.

^۲ (۱۹۷۵) ۴۲۰ U.S. ۶۷۱ - به نقل از همان، ص ۲۵۷

^۳ - Conspire.

^۴ - Justice Stewart.

^۵ - Justice Douglas.

^۶ - توجه داشته باشید که با وجود کارکرد نسبتاً یکسان جهل و اشتباه این دو با یکدیگر متفاوتند. در جهل هیچ علمی ندارد، ولی در اشتباه تصویری وجود دارد که با واقعیت امر مطابقت نمی‌کند. در زبان انگلیسی نیز، این تفاوت با mistake (اشتباه) و ignorance (جهل) بیان می‌شود. البته گاه مسامحتاً این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار می‌روند.

^۷ - Justice Blackmun.

فدرال»، معامله اموال مسروقه است.^۱ به نظر می‌رسد که بلکمن تاثیر اشتباه در خلاف تیراندازی به ماموران فدرال را پذیرفته، ولی در نتیجه گیری متناقض خود این نکته را اعمال نمی‌کند.^۲ اگر این گونه اشتباهات می‌توانست مسئولیت مرتکب را تضعیف کند، هدفی سیاسی زیر سوال می‌رفت؛ چرا که کنگره، همیشه از کارکردهای پلیس فدرال حمایت می‌نمود. این تدبیر آکنده از زبان بازی به خوبی نشان می‌دهد که چطور، دادگاه به سادگی ممکن است عدالت خواهی را قربانی اهداف کوتاه مدت سیاسی بنماید.

هـ) اشتباه در رضایت

سردرگمی در مورد تعیین دامنه اشتباهات بجای، بنا بر اصول سیاست، همیشه وجود داشته است؛ مخصوصاً در آمریکا که دادگاهها به علت تعارض میان عدالت خواهی و ضروریات سیاسی ضربه زیادی خورده‌اند. یک نمونه خوب در این زمینه محاکمه ما یک تایسون^۳ مشت زن مشهور، در ژوئیه ۱۹۹۱ است. وی متهم بود که به دزایری واشینگتون^۴ که در یک قرار ملاقات دوستانه، به ملاقات او در هتل رفته بود، تجاوز به عنف کرده است. تایسون ادعا نمود که او رضایت داشته است. واشینگتون می‌گفت که او «نه» گفته بوده است. این محاکمه بهانه خوبی به دست فیمینیستها داد که به درستی اصرار داشتند که اگر زنی به اختیار خود، آخر شب به ملاقات مردی در هتل می‌رود، این بدان معنی نیست که به رابطه جنسی رضایت داده است. با این همه، ممکن بود که تایسون بر این «باور» بوده است که او رضایت داشته است.^۵

به نقل از همان منبع ص ۲۵۸. 1-Id. at 672. See United states v. Crimmins, 123 F.2d 271 (2d Cir. 1941).

۲- همان.

۳- Mike Tyson

۴- Desiree Washington

۵- اشارات دیگری نیز از رضایت وجود داشت. همچون تأکید واشینگتون بر استفاده تایسون از کاندوم و قرار داشتن وی در بالا هنگام رابطه جنسی. در رابطه با تحلیل این مسئله و سایر حقایق مربوط ر.ک.به:

114-15, 117, 120-31. with Justice for Some at 259. به نقل از همان، ص